



اندیشه و قلب

جهان را چگونه می بینی؟
از کجا آمده است؟ به کجا می رود؟
آیا از هم گسیخته و بی هدف است؟ یا نظام مند و هدفدار؟
انسان در این جهان چه جایگاهی دارد؟ چه سرنوشتی در انتظار
اوست؟
و
«تو» در کجای این جهان بی کرانه ای و رو به سوی کجا داری؟

برای مطالعه

در سال گذشته دانستیم که قرآن کریم کتاب زندگی و راهنمای ما به سوی رستگاری و خوشبختی است و هرکس به هدایت‌های آن گوش فرا دهد و عمل کند از سقوط در پرتگاه‌های زندگی رهایی می‌یابد. از این رو است که با کتاب خدا مأنوس می‌شویم و پیام‌های آن را در می‌یابیم تا بتوانیم به آن‌ها عمل کنیم. راه اصلی انس با کتاب خدا، خواندن مستمر، درک معنای آیات و اندیشه و تدبر در آن‌هاست.

در سال قبل برخی از نمونه‌های تدبر را تمرین کردیم که عبارت بودند از :

- ۱- استخراج پیام از آیه
 - ۲- به دست آوردن پاسخ سؤالات خود از آیات
 - ۳- کشف ارتباط میان عبارات یک آیه و یا ارتباط چند آیه با هم
 - ۴- یافتن مصداق‌ها و نمونه‌های یک موضوع در آیات
 - ۵- کشف رابطه‌ی شرط و مشروط در آیات
 - ۶- آوردن استدلال برای یک پیام قرآنی
 - ۷- معیار و میزان قراردادن آیات برای تشخیص درستی و نادرستی یک مطلب
 - ۸- استفاده از حدیث و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) در تبیین و توضیح آیات
- در این کتاب نیز بار دیگر این روش‌ها را تمرین کنیم تا به تدریج به توانایی بیش‌تری در درک آیات الهی دست یابیم و در هنگام تلاوت قرآن کریم، از معارف آن بهتر و بیش‌تر بهره‌مند شویم تا به سوی «حیات طیبه» ای که خداوند آن را در دنیا و آخرت به مؤمنان وعده داده است، پیش برویم.

همچنین در سال قبل در بخش «آمادگی در اندیشه و قلب» به دو موضوع مهم پرداختیم :

الف - هدف زندگی.

ب - راه‌های تقویت ایمان به هدف زندگی.

برای تبیین این دو موضوع، مباحث زیر مطرح شد :

حضرت ابراهیم (ع) به مردم آموخت که : آنچه ناپایدار و افول‌کردنی است، نمی‌تواند محبوب

انسان قرار گیرد؛ محبوب و مقصود انسان باید پایان‌ناپذیر و در بردارنده‌ی همه‌ی زیبایی‌ها باشد.

برای درک عمیق این پیام، به مطالعه‌ی حقیقت انسان پرداختیم و آموختیم که:

- ۱- لحظه‌های زیبای زندگی انسان، لحظه‌های شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال است.
 - ۲- انسان، استعدادها و کمال‌های متنوعی دارد و باید با دو قدرت «علم و آگاهی» و «انتخاب و اختیار» استعدادهای خود را پرورش دهد و به کمال برساند. پس، انسان مسئول به کمال رساندن خود است و زندگی حقیقی جریان شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال.
 - ۳- خداوند علاقه و دل‌بستگی به کمال‌ها و زیبایی‌ها را در وجود انسان قرار داده است تا او بتواند به آسانی آن‌ها را برگزیند و به سوی آن‌ها حرکت کند. این کمال‌ها و زیبایی‌ها، همان هدف‌هایی است که انسان در زندگی خود انتخاب می‌کند؛ البته انسان همواره به دنبال کمالی است که پایان نپذیرد و همه‌ی کمال‌های دیگر را در برداشته باشد.
 - ۴- هدف‌ها و کمال‌های انسان یکسان نیستند؛ برخی اصلی و برخی فرعی، برخی برتر و برخی پایین‌ترند. انسان باید بتواند هدف‌های اصلی و برتر را در اولویت قرار دهد و هدف‌های فرعی و پایین‌تر را در مسیر هدف‌های اصلی و برتر انتخاب کند.
 - ۵- خداوند، کمال و زیبایی بی‌نهایت است و سرچشمه‌ی همه‌ی کمال‌ها و زیبایی‌هاست؛ بنابراین، او محبوب حقیقی و مقصود برتر زندگی است و اگر کسی تقرب به او را هدف قرار دهد. بهترین پاسخ را یافته و صحیح‌ترین گام را در انتخاب «هدف زندگی» برداشته است.
- اکنون می‌توانیم دریابیم که چرا حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «من پایان‌پذیرها و افول‌کردنی‌ها را دوست ندارم».

راه رسیدن به خدا، راه رسیدن به همه‌ی زیبایی‌ها و کمال‌هاست.

- ۶- پس از شناخت هدف زندگی، گام دیگری باید برداشته شود تا انسان حرکت به سوی هدف را آغاز کرده و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کند. آن گام، رسیدن به درجه‌ی «ایمان» است. انسان باید ایمان به خدا و محبت او را در خود تقویت کند تا جدی‌تر و مصمم‌تر، راه رسیدن به او را بییابد.

اکنون، در مرحله‌ی اول این کتاب می‌خواهیم به سؤال‌هایی که در ابتدای این مرحله طرح شد،

پاسخ دهیم.



جلوه‌های حکمت و تدبیر*

یکی از سؤال‌های اصلی هر نوجوان و جوانی این است که: «ما در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟» پاسخ این سؤال، در نگاه وی به زندگی تأثیر می‌گذارد و به برنامه‌ها و تصمیم‌های او جهت می‌دهد. برای رسیدن به پاسخ درست، ابتدا از آیات شریفه‌ی قرآن کریم بهره می‌بریم و آن‌گاه به مشاهده‌ی برخی موجودات پیرامون خود می‌پردازیم.

* دبیران گرامی توجه نمایند که محتوای این درس باید به صورت کامل و با دقت و صرف وقت کافی و با ذکر مثال‌های مختلف تدریس شود. لذا یک جلسه برای تدریس آن کافی نیست و حتماً باید در دو جلسه تدریس شود.

این آیات شریفه را به دقت و زیبا بخوانید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى
..... وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

اعلیٰ، ۲ و ۳

..... إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَاحْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
..... لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ

..... الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
..... قِيَامًا وَقُعُودًا
..... وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
..... وَيَتَفَكَّرُونَ
..... فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
..... سُبْحَانَكَ

فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

.....

آل عمران، ۱۹۰ و ۱۹۱

وَتَرَى الْجِبَالَ

و کوه‌ها را می‌بینی،

تَحْسَبُهَا جَامِدَةً

می‌پنداری که ساکن هستند

وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ

در حالی که همچون ابرها در حرکتند

صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي

ساخته‌ی آن خدایی است که

أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ

هر چیزی را استوار ساخته است

إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

همانا او بدانچه می‌کنید آگاه است

نمل، ۸۸

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

.....

قمر، ۴۹

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

.....

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

.....

عنکبوت، ۴۴



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

بِالْحَقِّ : هدفمند، راست و درست

باطِل : بیهوده

جُنُوبِهِمْ : پهلوهایشان

قرآن کریم چه تصویری از جهان به ما نشان می‌دهد؟

با تأمل در آیات ابتدای درس و تکمیل جملات زیر، پاسخ سؤال را به دست آورید.

سوره / آیه	پیام	ردیف
.....	هر یک از موجودات جهان دارای	۱
.....	هر موجودی به گونه‌ای ساخته شده که دنبال می‌کند.	۲
.....	بودن در موجودات جهان راه ندارد.	۳
.....	وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، در می‌یابیم که جهان بر استوار است.	۴
.....	استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات جهان نشانه‌ی	۵
.....	کسی می‌تواند حقیقت جهان را به درستی دریابد که	۶

قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد که درباره‌ی این تصویر بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می‌کند به پدیده‌های پیرامون خود نظر کنند؛ پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز، خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، دشت‌ها، سپیده‌دم، گیاهان، جانوران، مراحل خلقت انسان، حرکت ابرها و نزول باران که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است. با وجود این نشانه‌ها، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زبان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی می‌گوید:

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

برای شناخت بهتر و دقیق‌تر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، ابتدا نظری به یک جهان غیرواقعی و پنداری می‌افکنیم، سپس باز می‌گردیم و جهان واقعی را نظاره می‌کنیم.

جهان غیرواقعی

تصور کنید در جهانی زندگی می‌کنید که در هر لحظه ممکن است بدون علت خاصی، حادثه‌ای

رخ دهد، موجودی پدید آید یا از بین برود و اشیاء خصوصیات خود را از دست بدهند.
فرض کنید صبح که از خواب بیدار می شوید، در هوا معلق می مانید؛ می بینید که اجسام لحظه ای به زمین جذب می شوند و لحظه ای دیگر از زمین فاصله می گیرند. شیر آب را که باز می کنید، به جای آب، آتش خارج شود. هنگام صبحانه، وقتی شکر را در چای حل می کنید، چای شور شود. همین که لقمه ای به دهان می گذارید، آن لقمه به دهان چسبیده و جدا نشود. و خلاصه، از هر موجودی حرکت های غیر منتظره سرزند و هر چه تلاش کنید، نتوانید خود را با این حرکت ها هماهنگ کنید.



- ۱- آیا در چنین جهانی می توان از قانون و قانون مندی سخن گفت؟ چرا؟
- ۲- در چنین جهانی، رسیدن به علم و دانش تا چه اندازه امکان پذیر است؟ چرا؟
- ۳- اگر بخواهیم نامی برای این جهان خیالی انتخاب کنیم، آن نام چیست؟
- ۴- شما در چنین جهانی، چه احساسی خواهید داشت؟
- ۵- آیا با دیدن چنین جهانی می پذیرید که سازنده ای حکیم و خبیر داشته باشد؟

چرا؟

جهان واقعی

اکنون به جهان واقعی پیرامون خویش بیندیشید. نمونه هایی از موجودات و عناصر پیرامون خود را زیر نظر بگیرید و ببینید چه تفاوتی میان آن تصویر خیالی و این موجودات واقعی هست. برای این منظور، ویژگی ها و نحوه ی همکاری چند عنصر ساده، اما بسیار مؤثر و مفید را بررسی می کنیم و سپس یکی از ترکیبات پیچیده ی جهان را نظاره می کنیم تا ببینیم چه نتیجه ای به دست می آید.^۱

۱- اکسیژن و هیدروژن دو عنصر ساده از عناصر طبیعت اند. هر کدام ساختمان خاصی دارند که با دیگری متفاوت است. اما جهان به گونه ای سامان یافته که از ترکیب این دو، نظامی جدید به نام آب پدید می آید که حیات موجودات زنده بر روی کره ی زمین

۱- بندهای ۱ تا ۴ که ترکیبات شیمیایی و نظم طبیعی موجودات را نشان می دهد، فقط برای طرح در کلاس و به دست آوردن نتایج پایانی است و سؤال از آن ها در امتحانات، ضرورت ندارد.

به وجود آن بستگی دارد. شاید این ترکیب و همکاری را بتوان مؤثرترین همکاری میان اجسام دانست، زیرا بزرگ‌ترین نتیجه و فایده را به دنبال داشته است. چه تدبیر هدفمندی در این ترکیب نهفته است!



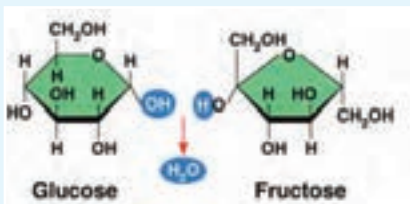
مولکول آب (H_2O) یک اتم اکسیژن (O) دو اتم هیدروژن (H)

۲- کربن یکی دیگر از عناصر طبیعت است. این عنصر در ترکیب با اکسیژن، ماده‌ی جدیدی به نام «دی‌اکسید کربن» را پدید می‌آورد که نقش مهمی در حیات موجودات دارد. گیاهان سبز به کمک این گاز غذاسازی می‌کنند و زنده می‌مانند. خوب است در این جا به این نکته‌ی زیبا هم اشاره کنیم که، انسان‌ها و حیوان‌ها برای حیات خود نیازمند اکسیژن هستند که گیاهان آن را تولید می‌کنند و آن‌ها نیز برای زنده ماندن به دی‌اکسید کربن نیاز دارند که ما در هنگام بازدم به محیط می‌فرستیم. این یک هماهنگی و همکاری است که نقشی در طراحی آن نداشته‌ایم.



مولکول دی‌اکسید کربن (CO_2) دو اتم اکسیژن (O_2) یک اتم کربن (C)

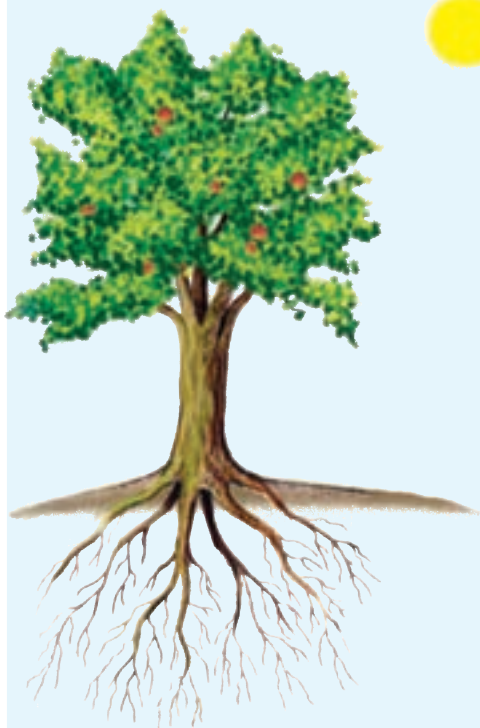
۳- موجودات زنده از جمله انسان نیازمند ماده‌ای به نام «قند» هستند تا انرژی خود را تأمین کنند و زنده بمانند. این ماده از ترکیب آب و دی‌اکسید کربن و به کمک خورشید در گیاه ایجاد می‌شود. گیاه، خود از آن استفاده می‌کند و حیوان و انسان را هم از آن بهره‌مند می‌سازد و بدین ترتیب رشد موجودات زنده ادامه می‌یابد.^۱



۱- اقتباس از کتاب زندگی بر روی زمین، دونالد ام. سیلور، انتشارات مدرسه برهان، صص ۶ تا ۱۴.

اکنون اگر به ماده‌ی قند که در میوه‌ها وجود دارد، نگاه کنیم، درمی‌یابیم که این همه فایده نتیجه‌ی ترکیبی بسیار دقیق است که اگر آن ترکیب به هم بخورد، تمام آن فایده‌ها از دست می‌رود.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین همکاری‌های روی کره‌ی زمین به وسیله‌ی سه عنصر ساده‌ی اکسیژن، هیدروژن و کربن به انجام می‌رسد و بزرگ‌ترین فایده‌ها را به ارمغان می‌آورد. آب، قسمت اعظم بدن موجودات زنده، از جمله انسان را تشکیل می‌دهد. قند نیز نقش اساسی در بدن ما دارد و تأمین‌کننده‌ی اصلی انرژی در بدن است. اگر هر یک از این دو ماده از حدّ معینی در بدن ما کاهش یابد، حیات ما به خطر خواهد افتاد. پس، هر عنصری ساختمان خاصی دارد که وقتی با دیگری همکاری می‌کند و ترکیب می‌شود، نظام و ساختمان جدیدی را پدید می‌آورند که دارای خواص و آثار تازه‌ای خواهد بود. این حالت را می‌توانیم در تمام موجودات پیرامون خود ببینیم؛ در سنگ‌ها، فلزات، گیاهان، حیوان‌ها و انسان.



۴- اکنون به نمونه‌ای پیچیده‌تر

نگاه کنیم؛ نمونه‌ای که به زمین زیبایی و طراوت داده و فایده‌های بی‌شماری داشته است؛ درخت. هر درختی از تعدادی غیرقابل‌شمارش اتم، میلیاردها سلول و میلیون‌ها بافت تشکیل شده که هر کدام جنس، ترکیب و کار خاصی دارند و اعضای اصلی درخت، یعنی ریشه، تنه، شاخه و برگ را می‌سازند. هر یک از این اعضا نقشی مخصوص برعهده دارند که با ساختمان و جنس آن‌ها هماهنگ است. نتیجه‌ی فعالیت هماهنگ و همکاری آن‌ها پیدایش میوه است. اگر آن اتم‌ها، سلول‌ها و بافت‌های

هر وقت مغز است معرفت کردگار

برگ درختان سبز در نظر بویاید

مخصوص وجود نمی داشت و اگر این اعضا هر کدام کار خاص خود را نمی کردند، این ثمر به بار نمی نشست. و اگر همه ی آن کارها صورت می گرفت ولی میوه ای در کار نبود، همه ی آن کارها بیهوده و باطل می شد.

بنابراین، عناصر موجود در طبیعت، که هر کدام ساختمان و آثار خاص خود را دارند، در دسته ها و شکل های مختلف با هم همکاری می کنند که حاصل آن پیدایش موجودات جدید با ساختمان جدید و با خواص و آثار تازه است. هر یک از این همکاری ها از نظم و قانون مندی خاصی پیروی می کند و نتایج معینی را در پی دارد. پس، وقتی به موجودات پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که :

- ۱- هر موجودی از اجزای خاص و معینی تشکیل شده است.
- ۲- این اجزا با آرایش مخصوص به خود در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.
- ۳- هر جزء کار مخصوصی انجام می دهد و وظیفه ی معینی برعهده دارد.
- ۴- میان وظایف و مسئولیت ها پیوستگی و ارتباط مشاهده می شود، به گونه ای که کار هر یک مکمل و ادامه ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت ها در ارتباط با هم معنا می یابند و اگر به کار یک جزء به تنهایی نگاه شود، ناقص و ناتمام به نظر می آید.
- ۵- هر سامان و نظامی و هر همکاری و فعالیتی، به دنبال هدف خاصی است که آن را از سایر سامان دهی ها و همکاری ها جدا می کند.



با بررسی ساختمان یک حیوان یا برخی از قسمت های آن، مانند ساختمان چشم، گوش و قلب، ویژگی های ذکر شده را در آن ها مشخص سازید.

شاخصه ی اصلی

در میان ویژگی های ذکر شده در صفحه ی قبل، کدام ویژگی است که شاخصه ی اصلی مجموعه های بزرگ و کوچک جهان محسوب می شود و آن ها را به یک نظام تبدیل می کند و در همه ی

اجزا و فعالیت‌های آن مجموعه حضور دارد و به آن‌ها معنی می‌بخشد؟
 این شاخصه‌ی اصلی همان «هدف» و «غایت» است. بدون «هدف»، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام، شکل نمی‌گیرد. همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد.
 اگر شاخصه‌ی هدفمندی در کار نباشد، تمام فعالیت‌های یک مجموعه «عبث»، «بیهوده» و در یک کلام، «باطل» می‌شود و با بودن آن، مجموعه‌ی فعالیت‌ها، «ثمربخش»، «هدفمند» و در یک کلام، «حق» می‌گردد. اگر به مثال‌های قبل برگردیم، می‌بینیم که هر همکاری و ترکیبی، ثمرات و اهداف بسیار بزرگی به دنبال داشت و هیچ کدام بر «باطل» و «بیهوده» نبود.

سؤال

چگونه اجزای این مجموعه‌ها، متناسب با هدفی که دارند، کنار یکدیگر جمع می‌شوند؟ چه عامل و انگیزه‌ای سبب این همکاری‌ها و تقسیم کار است؟ آیا پای «انتخاب»، «گزینش» و «طرح» قبلی در کار است؟

در این جا با سه فرض مواجه هستیم :

- ۱- همه‌ی این هماهنگی‌ها و همکاری‌ها خود به خود و بدون نقشه‌ی قبلی اتفاق می‌افتند.
- ۲- خود اجزا از این آگاهی برخوردارند و متناسب با آن هدف گرد هم می‌آیند و همکاری را آغاز می‌کنند.
- ۳- خالق آگاه، خبیر و حکیم، متناسب با هدفی که در نظر دارد، اجزا را به وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا آن هدف و غایت محقق شود.

۱- «حق» و «باطل» دو کلمه در مقابل هم هستند که به چند معنا به کار می‌روند؛ یکی از معانی آن‌ها، «هدفمند بودن» و «بی‌هدف بودن» است. معنای دیگر «حق»، واقعیت داشتن است؛ که در این صورت، معنای «باطل» واقعیت نداشتن و موهوم بودن است. مثلاً وقتی می‌گوییم خداوند و عالم غیب حق است، یعنی خداوند و عالم غیب واقعیت دارد. و وقتی می‌گوییم شانس و غول باطل است، یعنی واقعیت ندارند و موهومند. معنای دیگر «حق» سخن درست و راست و معنای دیگر باطل سخن نادرست و دروغ است. وقتی می‌گوییم «این سخن حق است»، به معنای آن است که حقیقت دارد و دروغ نیست.

این سه فرض را با یکدیگر مقایسه کنید و نتیجه را بیان نمایید.

شرح	
	فرض اول
	فرض دوم
	فرض سوم
	نتیجه

۱- نتیجه‌ی به دست آمده را با تصویری که از قرآن کریم به دست آمد، مقایسه کنید.

۲- بار دیگر در آیاتی که در آن‌ها کلمات «حق» و «باطل» به کار رفته، ببیندیشید و ببینید که این آیات در بردارنده‌ی چه پیامی هستند؟

ابتدا این خطبه‌ی حضرت علی (ع) را که در نهج البلاغه آمده است، بخوانید و ویژگی‌های خلقت خداوند را از آن استخراج کنید.

او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه‌ی آماده و پیش ساخته‌ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند.

... آثار صنع و نشانه‌های حکمتش در نوآوری‌های بی‌سابقه و خلقت بی‌نظیرش

هویداست.

بنابراین، هر یک از موجوداتی که خدا آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست؛ حتی اگر آن موجود، جامد و بی‌زبان باشد. چرا که آن‌ها با زبان بی‌زبانی خالق خود را معرفی می‌کند و تدبیر خدا را باز می‌گوید، بدون این که به سخن گفتن نیازی داشته باشد. دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفریننده‌ی خود را نشان می‌دهد.

... خدای متعال همه‌ی مخلوقات را بر اساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرو نیاشنند. هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و آن‌گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دستیابی به هدف خاص وی هدایت کرد.

همه‌ی این کارها بدان جهت بود که هیچ یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال‌نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

بخشی از خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه



۱- قرآن کریم در آیه‌های ۶۸ و ۶۹ سوره‌ی نحل، درباره‌ی زنبور عسل سخن گفته است. درباره‌ی این زنبور و چگونگی فعالیت آن برای تولید عسل تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

۲- برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف را در موجودات طبیعی مشاهده کردیم و دیدیم که نظم و پیوستگی و قانونمندی بدون هدف معنا ندارد. شما در زندگی شخصی خود چه اهدافی دارید؟ آیا برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

۳- شعر مقابل قسمت‌هایی از شعر بلند سعدی درباره‌ی بهار است. آن را به دقت بخوانید و بگویید در بردارنده‌ی چه پیامی برای شماست. هم‌چنین بکوشید که آن را حفظ کنید.

آفرینش همه تنبیه خداوند است
 کوه و دریا و درختان همه در سجده
 این نقش عجب بر در و دیوار وجود
 خبرت بست که مرغان چمن می گویند
 بر که امروز بنید اثر قدرت او
 که تو اندک هدیه می رکنی از چوب
 تا کی آخر چو بنفشه غفلت در پیش
 عقل حیران بود از خوشی زین عجب
 پاک بی عیب خدایی که قیامت مغرور
 تا قیامت سخن اندر کرم رحمت اوست
 آن که باشد که بنده کمر طاعت او
 نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
 این همه پرده که بر کرده می مای پوشی
 نا امید از لطف تو که گشاید رفت
 سعید است روان کوی سعادت بردند

دل ندارد که نذار و بجز خدا و مذاق رار
 نه همه استمعان فهم کنند این اسرار
 هر که فکرش کند نقشش بود بر دیوار
 کاغذی خفته سر از باش غفلت بر دار
 غالب آن است که فردا شنید دیدار
 یاکه دانند که بر آرد گل صد برک انخار
 حیف باشد که تو در خوابی و ز کس بیدار
 فهم حیران شود از خشمی یا قوت انار
 ماه و خورشید مخر کند لیل و نهار
 همه گویند و یکی گفت نیاید ز هزار
 جای آن است که کافر بشاید ز نثار
 سکر انعام تو بر کز نکند سکر گزار
 کر به تقصیر بگیر می نگذاری دینار
 تاب قهر تو نذاریم خدایا ز نهار
 راستی کن که مینزل نرسد کج رفتار

قسمت‌هایی از قصیده‌ی بهار تیه‌ی سعدی

۱- تنبیه: آگاهی، آگاهی دهنده

۲- حُفَّه: ظرف کوچک، در این‌جا منظور پوسته‌ی انار است که دانه‌های یا قوتی آن را چون قطعه‌ای در برگرفته است.

۳- زُنَّار: کمربندی است که کفار به کمر می بستند.

۴- انعام: بخشش